



مجله مطالعات ایرانی اسلامی  
دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹

۲۳۲۲-۲۸۹۱

شاپا چاپی

۲۷۱۷-۲۹۶۱

شاپا الکترونیکی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## معرفی آثار قرآنی ناصرالحق اطروش با تأکید بر تفسیر او

کاظم استادی<sup>۱</sup>

۸۰

### چکیده

در میان زیدیان، بویژه زیدیان شمال ایران، «تفسیرنویسی قرآن» معمول بوده است و حسن بن علی عسکری ملقب به ناصر للحق یکی از این مفسران زیدی بوده است. جدای از تألیفات و آثار پرشماری او، آثار قرآنی و تفسیری نیز به وی نسبت داده‌اند. مناقشات متعددی درباره تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) و مخصوصاً، تردید در انتساب تفسیر به امامان عسکری (ع) وجود دارد. پژوهش‌های جدید، با توجه به اسناد تفسیر عسکری در روایات شیخ صدوق و نیز بخشی از محتوای تفسیر نشان داده‌اند که این تفسیر از حسن بن علی اطروش است. براین اساس این پژوهش قصد دارد تا بررسی کند ناصر اطروش چه آثار قرآنی و تفسیری داشته است؟ تفسیر اصلی او چگونه بوده است؟ چه شباهت و یا تفاوت‌هایی میان تفسیر او و تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) وجود دارد؟ تحقیق حاضر با روش توصیفی و تحلیل داده‌ها و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، به معرفی و شناسایی آثار قرآنی و تفسیر ناصر کبیر می‌پردازد. قرائن گوناگون نشان می‌دهد که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) از آثار ناصر اطروش است که با الحاق دیگر متون تفسیری باقی مانده از اطروش، می‌توان تفسیر او را بازسازی و احیاء کرد.

واژه‌های کلیدی: تفسیر قرآن، حسن بن علی، اطروش، تفسیر امام حسن عسکری (ع)، زیدیه، کتابشناسی.

<sup>۱</sup> پژوهشگر فلسفه غرب، فلسفه، دانشگاه مفید، قم، ایران [kazemostadi@gmail.com](mailto:kazemostadi@gmail.com)

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸





#### مقدمه

ناصر کبیر (م ۳۰۴ق) سومین حاکم علوی طبرستان، با نام اصلی ابی محمد حسن بن علی به ناصر اطروش ملقب است (اطروش، ۱۴۱۸ و ۱۴۲۳ق: مقدمه؛ علم الهدی، ۱۳۹۸ش: ۸۹). او، زیدی مذهب (نک: علم الهدی، ۱۴۱۷ق: ۳۸؛ موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ش: سراسر متن) و از امامان زیدیه است؛ هر چند برخی به علت گرایش‌های امامی، او را امامی دانسته‌اند (امین عاملی، ۱۴۲۱ق: ۱۷۹/۵). در منابع زیدی، او را «صاحب دعوت، الامام الاعظم، الامام ناطق، الامام الحق»، و با تعبیر مخصوص «الناصر للحق علیه السلام» نام می‌برند (علیزاده، ۱۳۹۶ش: ۲۰۹؛ رحمتی، ۱۳۹۲ش: ۸۵) و زیدیه گاهی او را به مناسبت لقب پدرش، «العسکری» یاد کرده‌اند (ابن عنبه، ۱۴۱۷ق: ۲۸۵).

در میان زیدیان شمال ایران و دیگر نقاط، «تفسیرنویسی قرآن» از قرون اولیه تا بعد، بسیار رایج بوده است. برای نمونه برخی از تفاسیر اولیه زیدیه تا قرن ششم هجری قمری (دیلمی، ۱۳۸۸ش: مقدمه) عبارتند از: تفسیر کبیر از ابوالحسن مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق)؛ تفسیر القرآن از القاسم بن ابراهیم الرسی (م ۲۴۶ق)؛ تفسیر از ابوالقاسم اسماعیل بن احمد بن محفوظ بستی (د ح ۴۲۰ق)؛ البرهان فی تفسیر القرآن یا تفسیر کبیر، همچنین، العهد الاکید فی تفسیر القرآن یا تفسیر کوچک از ابوالفتح ناصر بن حسین دیلمی (د. ۴۴۴ق)؛ البستان فی تفسیر القرآن از ابوسعید اسماعیل بن علی سمان (د. ۴۴۷ق)؛ التهذیب یا تفسیر کبیر از ابوسعید محسن بن محمد (۴۹۴ق) معروف به حاکم جشمی (وی همچنین اثر دیگری در مباحث قرآنی با عنوان تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبیین نوشته و در آن، آیات نازل شده در حق اهل بیت و علی (ع) را گردآوری کرده است. دیگر





عالم زیدی یعنی، محمد بن عامر اصفهانی (قرن ۶)، آن اثر را با عنوان التقریب المختصر من التهذیب به اختصار نوشته است؛ همچنین، تفسیر کبیر از ابوالحسن علی بن محمد رسی (دح ۵۰۰ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، و نیز العدل و المیزان فی موافقه القرآن از نشوان بن سعید حمیری (م. ۵۷۳ق) (پاکتچی، ۱۳۹۳ش: ۶۰۱۵/۱۵)

به ناصر للحق اطروش نیز تألیفات و آثار زیادی نسبت داده‌اند (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق: ۲۴۰) که از جمله این آثار، تفسیر کبیر یا تفسیر الاطروش است (تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۲۶۱/۴).

مناقشات متعددی درباره تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) وجود دارد که انتساب این تفسیر را به ایشان نفی می‌کنند (بلاغی، بی تا: ۴۹ / ۱؛ شوشتری، ۱۴۰۱: ۱ / ۱۵۲ - ۲۲۸؛ شعرانی، ۱۳۸۶ش: ۵۸۰ / ۱۰)؛ به طوری که حتی برخی گفته‌اند: «کسی که در این تفسیر نظر بیندازد، هیچ شکی در جعلی بودن آن نمی‌کند و مقام یک عالم محقق، بالاتر از این است که چنین تفسیری بنویسد، تا چه رسد به اینکه امام (ع)، این سخنان را گفته باشد» (خویی، ۱۴۱۳ق: ۱۵۷ / ۱۳). پژوهش‌های جدید، با توجه به اسناد تفسیر عسکری در روایات شیخ صدوق و نیز بخشی از محتوای تفسیر عسکری (استادی، ۱۴۰۰ش: د، ر، سراسر متن) نشان می‌دهند که این تفسیر، از حسن بن علی اطروش است. بنابراین اکنون، لازم است پژوهش شود که ناصر اطروش چه آثار قرآنی و تفسیری داشته و تفسیر او چگونه بوده است؟ و بین این تفسیر و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) چه شباهت‌هایی ممکن است وجود داشته باشد؟ با توجه به این که





تاکنون پژوهشی در این مسئله انجام نشده، تحقیق حاضر در صدد است تا اجمالاً به معرفی و شناسایی آثار قرآنی حسن بن علی اطروش بپردازد و نیز توجه بیشتری به تفسیر ناصر الحق بنماید. همچنین این فرضیه را بررسی کند که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) از آن ناصر اطروش است تا مشکل انتساب تفسیر عسکری مرتفع شود.

البساط و الاحتساب، دو اثر منسوب به ناصر اطروش، اکنون در دسترس‌اند. جدای از آثاری که به مناسبت و در لابلای مطالب خود، به بخش اندکی از مسائل ناصر کبیرو، یا آثار و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و علمی او پرداخته‌اند و نیز جدای از مجموعه مقالات ناصر کبیر که در یک جلد و به سال ۱۳۹۲ش منتشر شده است، کتاب الناصر الاطروش، حیات و آثاره، (فصل دوم المسائل الناصریات) و مقاله «دراسة تحليلية في مؤلفات الناصر الاطروش» هم به معرفی بخشی از آثار ناصر اطروش پرداخته‌اند. هر چند که هیچ‌کدام از آنها اختصاصاً، به آثار قرآنی اطروش و تطبیق آنها با تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) توجه نکرده‌اند.

#### ۱. آثار و تألیفات ناصر للحق

به استناد اسناد تاریخی و گفته افراد در منابع مختلف، ناصر للحق اهل علم بوده و مجالس علمی و تدریس داشته است. مؤلفان متعدد، طالبان علم و حتی عالمان، از نقاط مختلف به شهر آمل می‌آمدند تا از محضر ناصر اطروش بهره علمی ببرند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۵۷۱/۲ و ۳ / ۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳۵/۱۹؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق: ۲۷۳؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶ش: ۲۷۵).

برای ناصر کبیر، تألیفاتی را ذکر کرده‌اند، اما با توجه به متن آثار باقی مانده از وی - کتاب البساط و الاحتساب (و نیز اگر تفسیر عسکری را از او بدانیم) - به





نظر می‌رسد که کتاب‌های وی و، یا لاقلاً آثار به جای مانده از او، تقریرات و یادداشت‌های دروس تعلیمی ناصر للحق به شاگردانش است (اطروش، ۱۴۲۳ق: ۱۲) که یا در زمان حیات او نوشته شده‌اند و، یا پس از حیات وی، برخی آنها را جمع‌آوری کرده‌اند و، یا نوشته‌اند. به این معنی که خود وی، شخصاً آثاری را تألیف نکرده است، بلکه شاگردان و اصحابش، مطالبی را نوشته‌اند که او بیان می‌کرده و، یا آموزش می‌داده است. این فرضیه، با ساختار و شیوه زندگی تعلیمی ناصر للحق هماهنگ است، زیرا که همت وی آموزش بود و مدارسی را برای آموزش و تدریس علوم ساخته بود (مسعودی، ۱۳۸۵ق: ۴/۳۷۷ و ۳۷۳؛ امین عاملی، ۱۴۲۱ق: ۵/۱۸۰). حتی برخی معتقدند که نخستین مراکز آموزشی به صورت مدرسه را ناصر اطروش در ایران تأسیس کرده (صدیق، ۱۳۵۵ش: ۷۷) که نمونه شاخص و مهم آن، در شهر آمل طبرستان بوده است (مرعشی، ۱۳۶۳ش: ۳۰۸؛ سیدکباری، ۱۳۸۷ش: ۵۵۰).

در آثار گوناگونِ فهرستی و رجالی زیدیه و امامیه، کتاب‌ها و آثار متعدد و گاه پرشماری را برای ناصر اطروش برشمرده‌اند که این تعداد، از حدود نه (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۵۷، ش ۱۳۵) و چهارده اثر (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۲۴۴)، تا بیش از یکصد و شصت اثر بیان شده است و حتی، به اعتقاد برخی از زیدیان مذهب قاسمیه، به سیصد اثر نیز می‌رسد (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰ به بعد)؛ هر چند که در حال حاضر از این آثار پر شمار، جز دو یا سه اثر که اکنون به وی منسوب است، چیزی باقی نمانده است. همچنین ممکن است برخی از این عناوین، تکراری باشد و یا چند نام برای یک اثر ثبت شده باشد. برای دیدن





بیشتر این عناوین و توضیح برخی از این آثار، باید به فهرس متعدد زیدیه (اطروش، ۱۴۱۸ و ۱۴۲۳ق: مقدمه) و برخی مقالات جدید امامیه مراجعه کرد (صالحی، ۱۴۰۰ش: سراسر متن؛ علم‌الهدی، ۱۳۹۸ش: ۱۷۵؛ موسوی، ۲۰۱۹م: سراسر متن). بیشتر این عناوین، عبارتند از: ۱. الآلاء؛ ۲. البساط؛ ۳. إبطال العول؛ ۴. إبطال المستعین؛ ۵. إثبات حقائق‌الدین؛ ۶. الإجاره؛ ۷. الاحتجاج؛ ۸. الاحتساب؛ ۹. الأحكام؛ ۱۰. الأخبار عن الأئمة؛ ۱۱. اختلاف العلماء؛ ۱۲. الأشربة؛ ۱۳. الأشعار (المشهور بديوان الناصر للحق)؛ ۱۴. أصول الدين (الصغير)؛ ۱۵. أصول الدين (الكبير)؛ ۱۶. أصول الدين (المتوسط)؛ ۱۷. أصول الدين (كتاب آخر)؛ ۱۸. الأصول في إثبات الإمامة و الأئمة من ولد أمير المؤمنين؛ ۱۹. الأطعمة؛ ۲۰. الألفاظ؛ ۲۱. الأمالی (في الحديث) [في اخبار الذي يتضمن فضائل اهل البيت (ع) نك: حدائق الوردية]؛ ۲۲. الإمام المفترض الطاعة؛ ۲۳. الإمامه (الصغير)؛ ۲۴. أنساب الطالبين؛ ۲۵. بيان التوحيد و العدل؛ ۲۶. بيان الكفر و الإيمان لكشف القرآن؛ ۲۷. البيع؛ ۲۸. بيع أمهات الأولاد؛ ۲۹. تحريم نكاح المشرکات؛ ۳۰. تسميه أزواج النبی (ص)؛ ۳۱. تفسير القرآن؛ ۳۲. تفسير تسع سور من القرآن؛ ۳۳. التوحيد و العدل و الإمامه و أبواب الطهاره و الصلاه؛ ۳۴. التوحيد وإثبات النبوه؛ ۳۵. جامع‌الفقه؛ ۳۶. جامع الكلبی؛ ۳۷. الحجج الواضحه (بالدائل الراجحه) في الإمامه؛ ۳۸. الحدود و الأيمان و النذور؛ ۳۹. الحقائق؛ ۴۰. خروجه عليه‌السلام؛ ۴۱. الخضاب؛ ۴۲. الخطب؛ ۴۳. دعاوی؛ ۴۴. الدعائم الإیمان و الإسلام؛ ۴۵. الدعوه (أربعة كتب)؛ ۴۶. الدعوه إلى إسماعيل بن أحمد الخراسانی في قتله محمد بن زيد؛ ۴۷. الدعوه إلى جعفر بن طاهر الطاهري؛ ۴۸. الدعوه إلى جعفر بن طاهر الطاهري (أيضاً)؛ ۴۹. الدعوه إلى محمد بن نصر الروياني؛ ۵۰. الدعوه لجميع المسلمين؛ ۵۱. دلائل التوحيد؛ ۵۲. الديات؛ ۵۳. الديباج؛ ۵۴. الرد على الخوارج





- (المسمى بكتاب الخوارج) ؛ ۵۵. الرسائل و الفتوح؛ ۵۶. رُوْحمر البخارى؛ ۵۷.  
الرهن؛ ۵۸. الزكاه؛ ۵۹. الستياج. ۶۰. السير؛ ۶۱. الشذوذ؛ ۶۲. الشركه؛ ۶۳. الشفعه؛  
۶۴. صفه الإمام؛ ۶۵. الصلاه؛ ۶۶. الصلاه (الصغير)؛ ۶۷. الصلاه (الكبير)؛ ۶۸.  
الصوم؛ ۶۹. الطلاق؛ ۷۰. العتق؛ ۷۱. العفو؛ ۷۲. العلل؛ ۷۳. الغصب؛ ۷۴. الفرياض؛  
۷۵. القسامه؛ ۷۶. القسمه؛ ۷۷. كتاب إلى ابن العباس ابن فرخ في فتوح الديلم و  
طاعه جستان؛ ۷۸. الكفاله؛ ۷۹. لقاء المباله؛ ۸۰. مبسوط الحجج للمتعلمين في  
التوحيد و الإيمان و حقائق الدين؛ ۸۱. مبسوط الكبير؛ ۸۲. المتوسمين في الإمامه؛  
۸۳. المجالس؛ ۸۴. مختصر الفرائض؛ ۸۵. المزارعه؛ ۸۶. مسائل اسمعيل بن عبدالله  
الكلارى؛ ۸۷. مسائل الاجاره؛ ۸۸. مسائل الاطعمه و الاشربه؛ ۸۹. مسائل الاقرار؛  
۹۰. مسائل الاكفا؛ ۹۱. مسائل الايمان و النذور؛ ۹۲. مسائل البخاردي الجعفرى؛  
۹۳. مسائل البيوع؛ ۹۴. مسائل الحج؛ ۹۵. مسائل الحدود؛ ۹۶. مسائل الحسن بن-  
احمد الديلمى؛ ۹۷. مسائل الحسن بن احمد بن الحسين النيروس؛ ۹۸. مسائل-  
الخراسانى؛ ۹۹. مسائل الخضاب؛ ۱۰۰. مسائل الخوارومى؛ ۱۰۱. مسائل الدعوى؛  
۱۰۲. مسائل الديات؛ ۱۰۳. مسائل الديلم؛ ۱۰۴. مسائل الدينورى؛ ۱۰۵. مسائل الرهن؛  
۱۰۶. مسائل الزكوه؛ ۱۰۷. مسائل السجستانى؛ ۱۰۸. مسائل السير؛ ۱۰۹. مسائل-  
الشفعه؛ ۱۱۰. مسائل الشهادات؛ ۱۱۱. مسائل الصلح؛ ۱۱۲. مسائل الصلوه؛  
۱۱۳. مسائل الصوم؛ ۱۱۴. مسائل الطلاق؛ ۱۱۵. مسائل العتق و التدبير؛ ۱۱۶. مسائل  
الغصب؛ ۱۱۷. مسائل الفرياض؛ ۱۱۸. مسائل القسامه؛ ۱۱۹. مسائل القسميه؛ ۱۲۰.  
مسائل الكفاله؛ ۱۲۱. مسائل المزارعه؛ ۱۲۲. مسائل المهدي؛ ۱۲۳. مسائل النكاح؛  
۱۲۴. مسائل الوديعه؛ ۱۲۵. مسائل الوصايا؛ ۱۲۶. مسائل الوكاله؛ ۱۲۷. مسائل الهيات؛





۱۲۸. مسائل الیمانی؛ ۱۲۹. مسائل شتی؛ ۱۳۰. مسائل عبدالله بن الحسن الایوازی؛  
۱۳۱. مسائل محمد بن السّریّ الرویانی؛ ۱۳۲. مسائل محمد بن مسیّر؛ ۱۳۳. مسائل  
موسی بن احمد کلاری؛ ۱۳۴. مسائل یحیی بن اکثم؛ ۱۳۵. المسائل (ثلاثة كتب  
صغار شبيهة بالمسائل)؛ ۱۳۶. المسترشد [الحجج الواضحة بالدلائل الراجحة فی  
الامامة]؛ ۱۳۷. مقالات الشیعه؛ ۱۳۸. مناسک الصغیر؛ ۱۳۹. مناسک الکبیر؛ ۱۴۰.  
المناهی؛ ۱۴۱. موافاه النبی (ص)؛ ۱۵۰. موضع الحق؛ ۱۵۱. النجوم؛ ۱۵۲. النصیحه؛  
۱۵۳. النفقات؛ ۱۵۴. النقص علی ابن الراوندی؛ ۱۵۵. النقص علی أبی بکر الأصم  
فی الأصول؛ ۱۵۶. النکاح؛ ۱۵۷. الوصایا؛ ۱۵۸. وضوح النصیح؛ ۱۵۹. الوقف؛ ۱۶۰.  
الهیات (نک: ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰)؛ همچنین: ۱۶۱. أنساب الأئمه و موالیهم؛  
۱۶۲. الشهداء و فضل أهل الفضل منهم؛ ۱۶۳. الصفی؛ ۱۶۴. الظلامه الفاطمیه؛ ۱۶۵.  
فدک و الخمس؛ ۱۶۶. فصاحة أبی طالب؛ ۱۶۷. المسفر؛ ۱۶۸. معاذیر بنی هاشم  
فیما نقم علیهم؛ ۱۶۹. المغنی (اطروش، ۱۴۱۸ق: ۱۴ و ۱۵).

## ۲. معرفی آثار و فعالیت های قرآنی اطروش

آثار اطروش با موضوع قرآن، از جنبه های مختلفی قابل تأمل تاریخی و فهرست  
کردن است. پیش از ذکر تألیفات قرآنی ناصر الحق، لازم است بدانیم اساساً، او  
در حوزه قرآن فعالیت داشته است، تا به اعتبار آن، تألیفات قرآنی منسوب به  
وی را تأیید کنیم.

### ۱.۲. ناصر کبیر آموزش قرآن و تفسیر داشته است.

ناصر اطروش، جدای از علوم مختلف اسلامی، به تعلیم و آموزش قرآن و  
تفسیر آن می پرداخت (مادلونگ، ۱۹۸۷م: ۸۳؛ امین عاملی، ۱۴۲۱ق: ۱۸۰/۵) و  
حتی مدارس را برای آموزش قرآن و تدریس علوم ساخت (مسعودی، ۱۳۸۵ق:  
۳۷۷/۴ و ۳۷۳؛ امین عاملی، ۱۴۲۱ق: ۱۸۰/۵). برخی از اسناد تاریخی، همانند







بعضی از پرسش و پاسخ‌های تفسیری از ناصر کبیر که اکنون باقی مانده است، این وضعیت علمی - قرآنی وی را تأیید می‌کند (حسینی اشکوری، ۱۴۱۳ق: ۱/۳۰۲).

۸۸

یحیی‌الهارونی معروف به ناطق بالحق (م ۴۲۴ق)، امام زیدیه دیلمان و گیلان، درباره ناصر اطروش گفته است: «... و كان جامعاً لعلم القرآن و الكلام ...» (هارونی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۷). خود ناصر للحق نیز در نامه‌ای به شخصی نوشته است: «... آنچه را که به امر به معروف و نهی از منکر فرا می‌خوانم و به آن راهنمایی می‌کنم، احیاء چیزهایی از کتاب خدا است که مرده نگاه داشته شده؛ و چیزهایی از سنت رسول خدا است که دفن نموده شده؛ و من می‌دانم آنها را، پس از آن که خالص یا تنزیل شده؛ همانند: محکم و متشابه و وعده و تهدید و قصص و امثال؛ که برای شناخت آنها، نیازمند زبان کامل عربی هستیم؛ و نیز استنباط سنت از معادن آن، و استخراج اسرار از جای خود؛ و همچنین روشنگری بر ظلم و ستم به اهل بیت(ع). تا روشن شود آنچه را که پنهان شده در مستوره‌ها» (مطی، ۱۴۲۳ق: ۶۱/۲).

۲.۲. ناصر للحق، آثار قرآنی و تفسیری داشته است.

برای دانستن اینکه ناصر اطروش درباره قرآن و تفسیر آن، اثر یا آثاری داشته است، حداقل از دو طریق باید این بررسی را انجام داد. نخست، از طریق آثاری که از تفسیر ناصر للحق استفاده کرده‌اند. دیگر، فهرس و منابعی که از آثار قرآنی و تفسیری اطروش نام برده‌اند.

۱.۲.۲. برخی تفاسیری که از تفسیر ناصر استفاده کرده‌اند.





تفاسیر و، یا متون مرتبط با زیدیه متأخر، به مطالبی از تفسیر حسن بن علی اطروش اشاره، و، یا حتی عباراتی از آن را نقل کرده‌اند، از جمله کتاب الابانه اثر شمس‌الدین محمد بن صالح گیلانی (زنده ۷۰۰ق) که در چند جای اثر، کتاب-های تفسیرالقرآن و التفسیر برای ناصر کبیر ذکر شده است (هوسمی، ۱۳۸۹ش: ۳۴۹، ۳۸۰، ۷۷۱، ۹۸۸ و ۱۰۳۷؛ مقدمه عمادی)؛ همچنین، ابوالفضل بن شهردویر دیلمی (قرن ۸) در تفسیر کتاب‌الله، اقوال مختلفی را از آثار ناصر کبیر از جمله تفسیر وی، نقل کرده است (دیلمی، ۱۳۸۸ش: ج ۲/ ۵، ۲۰، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۳۴، ۲۶۳، ج ۲/ ۲، ۸۴، ۱۰۲، ۲۰۹، ۲۹۹؛ مقدمه عمادی).

#### ۲.۲.۲. آثار قرآنی و تفسیر اطروش در فهرس و تراجم

ناصر کبیر، در منابع رجالی و تراجمی متقدم و میانی شیعه امامیه، تقریباً مورد توجه قرار نگرفته و فقط در چند منبع، به ذکر نام وی بسنده شده است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۸۵؛ ابن‌داوود، بی‌تا: ۲۳۹؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ۳۳۷). در برخی از منابع، همانند رجال نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۵۷) و معالم‌العلماء (ابن‌شهر آشوب، بی‌تا: ۱۶۱)، تعدادی از آثار وی ذکر شده و همین وضعیت، در منابع رجالی و تراجمی متأخر شیعه امامیه نیز (با تفاوت‌هایی) ادامه یافته است. اما، در منابع متقدم و متأخر زیدیه (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰) و نیز منابع آثار فهرستی زیدیه، از بیشتر آثار ناصر الحق و همچنین آثار قرآنی وی نام برده شده است که در ادامه به این آثار اشاره می‌شود.

#### الف) تفسیرالقرآن

برخی از منابع فهرستی، بدون ذکر مشخصات و توصیفی از اثر، کتاب تفسیر القرآن را در شمار آثار ناصر کبیر نام برده‌اند (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰). همچنین، حداقل دو اثر زیدی دیگر، نام تفسیرالقرآن را برای کتاب تفسیر





اطروش ذکر کرده‌اند (هوسمی، ۱۳۸۹ش: ۱۹، مقدمه عمادی؛ دیلمی، ۱۳۸۸ش: مقدمه عمادی).

### ب) التفسیر

در بعضی از منابع، یک تفسیر دو جلدی، که حاوی اشعار بوده، برای ناصر کبیر نام برده و چنین ذکر کرده‌اند: ... سروده آن را، که بیش از هزار بیت در آن بود ... (المحلی، الحقائق الوردیه، ۵۸/۲)؛ و نیز: ... احتجاج کرده در آن، به هزار بیت شعر از هزار قصیده ... (اطروش، ۱۴۱۸ق: ۱۴).

### ج) تفسیر کبیر

در برخی از گزارش‌های عمومی خبری دوره معاصر در اینترنت، بدون ذکر منبع کتابی با عنوان تفسیر کبیر برای اطروش نام برده‌اند که اطلاعاتی از آن به دست نیامد. شاید عنوان «تفسیر ناصر کبیر» بوده و نام ناصر از آن حذف شده و این احتمال است که اطروش تفسیر کبیری داشته است.

### د) تفسیر تسع سور من القرآن

در دو نسخه خطی کتابخانه و مؤسسه کاشف‌الغطاء نجف، که در احوال علمای زیدیه است (و یک نسخه، تکمیل‌کننده متن نسخه ناقص دیگر است)، کتابی با عنوان تفسیر تسع سور من القرآن برای ناصر للحق برشمرده‌اند، اما توضیحی درباره مشخصات کتاب نداده‌اند (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰؛ ناشناس، ۱۳۴۰ق: ۱۷۷). محتمل است که این تفسیر، در واقع نسخه‌ای ناقص از تفسیر اصلی ناصر کبیر باشد که به خاطر افتادگی و شمول تفسیر ۹ سوره در نسخه خطی،





به این عنوان خوانده شده است و البته محتمل است که این کتاب، مستقل از تفسیر اصلی اطروش باشد.

ه) بیان کفر ایمان لکشف القرآن

در دو نسخه خطی کتابخانه و مؤسسه کاشف الغطاء نجف - رساله فی علماء الزیدیه و التحفه البهیة فی أحوال الزیدیه- کتابی با عنوان بیان الکفر و الإیمان لکشف القرآن در شمار آثار اطروش ذکر شده است (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰؛ ناشناس، ۱۳۴۰ق: ۱۷۷). همچنین در حاشیه نسخه خطی کتاب الحج الابانه و نیز در بحث حد صغیره و کبیره، به نام این کتاب با عنوان بیان الکفر و الإیمان اشاره و استشهاد شده است (صالحی، ۱۴۰۰ش: ۲-۳).

با توجه به موضوع کتاب و نیز عنوان ناقص کتاب، بعید نیست که این اثر، همان کتاب البساط باشد. به این معنی که نام کتاب البساط فی بیان الکفر و الإیمان بوده است. چنان که عنوان البساط نیز به تنهایی گویا نیست و ناقص به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه عنوان دو کتاب، در نسخه‌های خطی کتابخانه و مؤسسه کاشف الغطاء، در پی هم آمده‌اند (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۱؛ ناشناس، ۱۳۴۰ق: ۱۷۷)، این احتمال تقویت می‌شود که استنساخ کننده و نسخه‌بردار، آن نام را به اشتباه، دو نام فرض کرده و نگاشته است. هر چند که ممکن است یکی از دو اثر، مختصر اثر دیگر باشد.

و) البساط

از بین آثار ناصر کبیر، دو یا سه اثر باقی مانده که یکی از آنها کتاب البساط است. این اثر کمتر از صد صفحه است، اما بیش از سیصد آیه از قرآن در آن به کار رفته است که یا تفسیر شده‌اند و یا به آنها استشهاد تفسیری شده است (اطروش، ۱۴۱۸ق: سراسر متن). بنابراین، کتاب البساط، به نوعی تفسیر





موضوعی قرآن محسوب می‌شود. از این کتاب، در برخی منابع با عنوان البساط (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰) و در برخی دیگر، با عنوان البساط فی علم الکلام یاد شده است، همان‌گونه که ابن شهردویر در تفسیر خود نام برده است (هوسمی، ۱۳۸۹ش: مقدمه عمادی).

بنابراین، با توجه به تنوع نام و نیز اختصار نام «البساط» و هم موضوع بودن آن با کتاب بیان الکفر و الإیمان، بعید نیست که این اثر، دو نام داشته است: البساط فی علم الکلام و البساط فی بیان الکفر و الإیمان که به اختصار البساط خوانده شده است. هر چند تا بررسی شواهد متنی بیشتر، این مباحث در مقام احتمال باقی خواهند ماند. احتمال دیگر آن است که کتاب البساط، اثر صغیر درباره کفر و ایمان باشد و کتاب بیان الکفر و الإیمان لکشف القرآن، اثر کبیر در این باره باشد. همان‌گونه که در متن البساط اشاره کوتاهی شده و مؤلف چنین نوشته است: «... و این مطلب را در کتاب بزرگمان در موضوع ایمان، بیان کردیم؛ و بعداً توضیح خواهیم داد ان شاء الله ...» (اطروش، ۱۴۱۸ق: ۶۳، سطر ۴ و ۵)

### ۳.۲. جمع‌بندی آثار تفسیری اطروش

در حال حاضر و به دقت و قوت، نمی‌توان گفت که آثار قرآنی و تفسیری منسوب به ناصر للحق چه تعدادند، چون متن آنها و نیز توضیحات بیشتری از آنها در دسترس نیست. اما با توجه به قرائن و شواهد موجود که برخی از آنها بیان شد، به نظر می‌رسد که اطروش، حداقل دو دسته آثار تفسیری و قرآنی داشته است:





### ۱.۳.۲. تفاسیر موضوعی یا غیرمستقل

منظور، آثاری همانند البساط که از آیات متعدد قرآن برای تبیین یک موضوع استفاده کرده‌اند. با توجه به استفاده ناصر کبیر از آیات قرآن در موضوعات مختلف و استدلال به آن، به نظر می‌رسد که آثار غیر فقهی او نیز مملو از استشهادات قرآنی باشد. مثلاً، اگر کتابی درباره اثبات امامت نوشته، این اثر چون حاوی آیات قرآن و تفسیر این آیات در جهت اهداف نویسنده بوده است، به نوعی تفسیر موضوعی قرآن محسوب می‌شود.

### ۲.۳.۲. تفاسیر مستقل و ترتیبی

با توجه به گزارش‌های متنوع منابع و نیز وضعیت آموزشی ناصر کبیر در مدارس علمی خود، که به صورت مستمر برگزار می‌شده است، به نظر می‌رسد که وی یک دوره تفسیر کامل قرآن را که حجم زیادی داشته است، املاء و یا نگارش کرده و بخش‌هایی از آن را با حذف و اضافاتی به صورت تفاسیر جزئی و کوچک‌تر تدوین کرده باشد. این وضعیت، با عناوین دیگر آثار او هماهنگ است. چنان که آثار درباره یک مسئله را به صورت کتاب‌های صغیر، متوسط و کبیر، به طالبان علم عرضه کرده است.

### ۴.۲. احتمالات پیش‌رو درباره تفسیر ناصر کبیر

احتمالات زیادی درباره آثار تفسیری ناصر للحق قابل طرح است، اما دو احتمال کلی، تبیین مناسب‌تری از وضعیت این آثار پیش‌روی ما قرار می‌دهد:

#### احتمال اول: یک اثر تفسیری بزرگ

این احتمال است که ناصر کبیر، فقط یک «تفسیر بزرگ» داشته و در دوره‌های بعدی، این تفسیر به صورت آثار مختلفی منتشر شده است. برای مثال شخصی آن تفسیر کبیر را خلاصه کرده و تفسیر متوسطی از آن ایجاد کرده باشد و، یا





مثلاً، اشعار تفسیر را به صورت یکجا و در دو جلد جمع‌آوری و تدوین کرده باشند. یا عده‌ای، بخشی از نسخه خطی تفسیر بزرگ را که باقی مانده بود، به عنوان تفسیر «تسع سور» از اطروش معرفی و نسخه‌برداری کرده باشند. یا اینکه شخصی، برخی از قسمت‌های متن تفسیر بزرگ را که شامل یک موضوع بوده است، جمع‌آوری و به صورت یک اثر موضوعی قرآنی، همانند «ایمان و کفر» نسخه‌برداری کرده باشد. همچنین حالت‌های مشابه دیگری از این دست نیز محتمل است. بنابراین، در این احتمال و فرض، ناصر للحق یک اثر تفسیری داشته که به آثار و نیز عناوین مختلف دیگری تبدیل شده است؛ خواه، این تبدیل «وحدت به کثرت» را شاگردان و مقرران دروس اطروش و در زمان خود وی انجام داده باشند و خواه، این وضعیت در دوره‌های پس از حیات ناصر کبیر ایجاد شده باشد.

موارد متعددی از این تغییر و تحولات در آثار تفسیری همانند «خلاصه‌نویسی»، «تکمله و جمع‌نویسی»، «حاشیه‌نویسی»، «منتخب‌نگاری» و مانند آن، در دوره‌های مختلف و مخصوصاً در قرون میانی اسلامی وجود داشته و رایج بوده است (نک: پاکتچی، ۱۳۹۳ش: سراسر متن).

احتمال دوم: چند اثر تفسیری مختلف

فرض و احتمال کلی دیگر درباره آثار قرآنی و تفسیری حسن‌بن‌علی اطروش، این است که وی جدای از تفسیر کبیر، آثار متعدد و متنوع قرآنی تألیف کرده است؛ آثاری موضوعی از قرآن و نیز ارائه تفاسیر موردی از بخشی‌هایی از قرآن و، یا تدوین تفسیر قرآن به صورت موزون و شعر. خواه، این تألیفات را





شاگردان و مقرران دروس ناصرالحق و تحت نظارت وی انجام داده باشند، و،  
یا خود اطروش آنها را نوشته باشد.

۳. تفسیر حسن بن علی اطروش

با توجه به اسناد و گزارش‌های باقی‌مانده از منابع، اطلاعات ما از وجهه  
تفسیری حسن بن علی اطروش این گونه است:

۱.۳. اطروش معلم و مفسر قرآن بوده است

ناصر اطروش، مفسر و مدرس قرآن بوده و آثار و، یا حداقل اثر تفسیری مهمی  
در تفسیر قرآن داشته است که اندیشمندان بعدی، همانند هوسمی و دیلمی نیز  
از آن استفاده کرده‌اند (دیلمی، ۱۳۸۸ش: ۲/۲۰۸، ۵، ۱۰۲، ۱۹۵، ۲۰۹، ۲۱۱،  
۲۳۴، ۲۶۳، ۲۹۹).

۲.۳. روش تفسیری اطروش، روایی و ولایی بوده است

با توجه به گزارش‌های باقی‌مانده در منابع و نیز سبک بیان و نگارش کتاب  
البساط و همچنین آثار ولایی و امامتی او - همانند: ۱. الاصول فی إثبات الإمامه  
و الأئمه من ولد أمير المؤمنين؛ ۲. الأمالی (فی اخبار الذی یتضمن فضائل  
اهل‌البیت)؛ ۳. الامام المفترض الطاعه؛ ۴. الامامه (الصغیر)؛ ۵. انساب الأئمه و  
موالیه؛ ۶. انساب الطالبیین؛ ۷. التوحید و العدل و الإمامه؛ ۸. الحجج الواضحه  
(بالدائل الراجحه) فی الإمامه؛ ۹. الظلامه الفاطمیه؛ ۱۰. المتوسمین فی الإمامه؛ ۱۱.  
المستترشد؛ ۱۲. النقض علی ابن‌الراوندی؛ ۱۳. النقض علی أبی‌بکر الأصم فی  
الأصول؛ ۱۴. صفه الإمام؛ ۱۵. فدک و الخمس؛ ۱۶. فصاحه أبی‌طالب؛ ۱۷. معاذیر  
بنی‌هاشم فیما نقم علیهم (ناشناس، مخطوط، ق ۸: ۱۰). نیز برخی از احادیث  
ناصر کبیر در آثار فضائل زیدیه، همانند تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبیین  
(حاکم جشمی، ۱۳۸۳ش: ۴۰، ۵۷، ۶۰، ۶۶، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۶،







۱۵۸، ۱۷۲، ۲۰۱) - به نظر می‌رسد که تفسیر اطروش، روایی و مأثور و از نوع فضایل و معجزات اهل بیت(ع) و اثبات امامت بوده است. شبیه این وضعیت تفاسیر ولایی و امامتی، در آثار مفسران دیگر زیدیه همانند تفسیر کتاب‌الله دیلمی نیز مشاهده می‌شود (قوچانی‌خامنه، ۱۳۹۵ش: ۵۳؛ دیلمی، ۱۳۸۸ش: مقدمه عمادی).

۳.۳. تفسیر اطروش، تا چند قرن در دسترس بوده است

با توجه به اینکه فقیه مشهور ناصری مذهب، محمد بن یعقوب هوسمی (م ۴۵۵) صاحب الابانه و نیز ابوالفضل بن شهردویر دیلمی (م ح ۸۰۰ ق) صاحب کتاب تفسیر کتاب‌الله، از تفسیر ناصر کبیر اطروش استفاد کرده‌اند، به نظر می‌رسد که متن این تفسیر حداقل از قرن پنجم تا هشتم هجری قمری، حداقل در میان زیدیان طبرستان، باقی و از آن مهم‌تر، رایج و مورد اعتنا بوده است.

۴.۳. تفسیر اطروش، حجیم بوده است

به نظر می‌رسد که تفسیر اطروش، ظاهراً اثری حجیم بوده، زیرا اگر گزارش تفسیر دو جلدی او را در نظر بگیریم که شامل هزار بیت شعر است، به این معنی است که اثر تفسیری ناصر للحق، حداقل در حجم دو مجلد بوده، اما اگر سبک «مفصل‌نویسی» اطروش در آثار باقی‌مانده از او، و نیز روش تفسیر روایی وی را لحاظ کنیم، به نظر می‌رسد که تفسیر اطروش، اگر شامل تمام آیات قرآن بوده باشد، اثری با حجم حداقل ده مجلد بوده است.

۴. تفسیر امام حسن عسکری (ع)





تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، جدای از اینکه مورد بی‌توجهی فهرست‌نویسان و تراجم‌نگاران امامیه قرار گرفته است و از حدود قرن هفتم هجری قمری به بعد، برخی به آن توجه کرده‌اند (استادی، ۱۴۰۰ش: ت، سراسر متن)، از جهات مختلفی همچون: «نسخ خطی»، «تاریخ تألیف اثر»، «انتساب کتاب به مؤلف»، «اسناد ابتدای کتاب» و از همه مهم‌تر «محتوای کتاب» مناقشه‌آمیز است و مورد نقد اندیشمندان قرار گرفته است که در ابتدای مقاله ذکر شد.

۱.۴. دلایلی که نشان می‌دهد تفسیر عسکری از اطروش است

برای عدم انتساب تفسیر به امامان عسکری (ع)، از جهات و جنبه‌های مختلفی باید به دلایل پشتیبانی‌کننده پرداخت که در اینجا، تنها به چند جنبه از آنها اشاره می‌شود:

۱.۱. ۴. ناهماهنگی زندگی امام یازدهم (ع) با وضعیت و محتوای تفسیر

موارد متعددی از متن و محتوای تفسیر عسکری قابل استخراج است که نشان می‌دهد وضعیت تاریخی این تفسیر با وضعیت و زندگانی امام حسن عسکری (ع) در سامراء هماهنگ نیست. مثلاً، در محتوای داستان‌های سه‌گانه راویان (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۱۱، ۳۱۶ و ۳۶۳) تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، علایم و شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این تفسیر از امام یازدهم ما شیعیان نیست (استادی، ۱۴۰۰ش: ر، سراسر متن).

۲.۱. ۴. دلایل مرتبط با اسناد و نسخه‌های تفسیر عسکری

برخی از روایات شیخ صدوق از حسن بن علی ناصری نقل شده است. اسناد تفسیر در احتجاج، تماماً، از «الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ» روایت شده که به نظر می‌رسد منظور همان «الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ عَنْ أَبِيهِ» است که در نسخه‌برداری‌های بعدی آثار صدوق، تحریف و تصحیف شده. همچنین، برخی





از تغییرات حذفی و اضافی در برخی از کلمات نسخه‌های خطی تفسیر وجود دارد که این تغییرات، به تغییر هویت نویسندۀ اثر منجر شده است. به این معنی که در نسخ ابتدایی و اولیه تفسیر، تنها کنیه «ابی محمد» وجود داشته است که کنیه ناصر اطروش نیز هست (طبرسی، ۷۳۶ق: ۵؛ نیز: طبرسی، ۱۳۸۶ق: ۱۵). در مرحله بعد که انتساب کتاب تفسیر به امام یازدهم شیعیان شکل گرفته، کنیه «ابی قائم» به اسناد اضافه شده است (استادی، ۱۴۰۰ش: د، سراسر متن). جدای از اینها، خاستگاه راویان و کاتبان اسناد تفسیر، از ارتباط آنها با ناصر کبیر و منطقه طبرستان نشان دارد.

#### ۴.۳.۱. دلایل مرتبط با ترجمۀ ناصر اطروش

وقتی شرح زندگی و احوال و آثار ناصر اطروش خوانده می‌شود، قرائن و شواهدی نیز از ترجمۀ وی می‌توان ارائه داد که انتساب کتاب تفسیر را به وی تأیید می‌کند، برخی از آنها عبارتند از: الف) هماهنگی نام مؤلف و ناصر اطروش؛ ب) هماهنگی محتوای داستان‌های راویان تفسیر با ترجمۀ ناصری؛ د) هماهنگی سلاقی و مبانی فکری ناصر اطروش با تفسیر کنونی؛ ه) هماهنگی آثار دیگر ناصر اطروش با تفسیر کنونی (استادی، ۱۴۰۰ش: د، سراسر متن).

#### ۴.۱. جمع‌بندی

با توجه به دلایل و قرائن مختلف، که برخی از آنها ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر کنونی عسکری از ناصر اطروش است و باید این اثر را زین پس، در دایره آثار وی دانست و در همین رابطه، به تحلیل و بررسی آن واکنش





نشان داد و البته به جهت مشوش و درهم بودن متن و نسخه‌های آن (استادی، ۱۴۰۰ش: ث، سراسر متن)، به تنظیم مجدد و بازسازی و تکمیل آن پرداخت.

۲.۴. تفسیر عسکری کنونی، کتابی حجیم بوده است

دلایل مختلفی نشان می‌دهد که تفسیر عسکری، اثری پر حجم و مفصل بوده است که در اینجا دو شاهد ذکر می‌شود:

۴.۱.۲. تفسیر، در مدت هفت سال و هر روز بیان شده است.

در متن داستان راویان تفسیر، در ابتدای تفسیر عسکری آمده است: «... حسن بن علی، گفت: من برای شما هر روز چیزی از آن [تفسیر] می‌گویم تا بنویسید. [خداوند] الزام و پشتکارم دهد، تا سعادت شما را برای خداوند متعال، فراهم کنم. پس اولین مطلبی که [حسن بن علی] به ما املاء فرمود، روایاتی بود که در فضل قرآن و اهل آن وارد شده است؛ سپس [وی] تفسیر قرآن را به ما املاء فرمود. ما در مدت اقامت‌مان با حسن بن علی، که هفت سال طول کشید، هر روز مقداری از تفسیر را [از بیان او] می‌نوشتیم.» (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۱۱) این مطلب، که «هفت سال و هر روز» مطالب تفسیری بیان و نگارش شود، با توجه به آموزشی بودن جلسات تفسیر، گویای آن است که متن کتاب تفسیر عسکری، متن تفسیری حجیمی بوده است.

۴.۲.۲. شواهد نسخه‌ای، نشان از ناقص بودن مجلدات دارد.

در متن کنونی و در دسترس تفسیر، مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد نسخه‌بردار اولیه، بخش‌هایی از جزوات تفسیر را یافته و امیدوار بوده است تا بخش‌های مفقود دیگر تفسیر را نیز بیابد و به جمع جزوات تفسیر اضافه کند. برخی از این موارد و شواهد عبارتند از:





الف) وقد وفقنی الله لاتمام هذا الجزء من تفسیر الامام علیه وعلى ابنه وآبائه الطیبین السلام، مما وجدنا مرتبا من أول الحمد إلى هذه الآیة من سورة البقرة. ویتلوه شیء آخر من هذا التفسیر مما وجد مفقودا مطلع الآیة، ساقطا من الآیة المزبورة إليها بقدر ثلث جزء من الاجزاء الثلاثین للقرآن تقریبا. و نرجو الله أن یرزقنا الوصول إلى تمام هذا التفسیر الجلیل العظیم الکبیر المتضمن لمعارف ... (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۵۶۸).

ب) شیء آخر من هذا التفسیر، من هذه السوره، مما وجد مفقودا مطلع الآیة (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۵۶۹).

ج) هذا آخر ما وجد من هذا التفسیر فی هذا الموضوع، و نرجو من الله أن یرزقنا تمام هذا التفسیر ... (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۶۰۲).

د) بسم الله الرحمن الرحیم شیء آخر من هذا التفسیر من موضع آخر من هذه السورة أيضا ... (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۶۰۳).

هـ) شیء آخر من تفسیر هذه السورة من الإمام الحسن بن علی العسکری (عسکری، ۱۴۰۹ق: ۶۳۶).

تفسیر یک جلدی کنونی که شامل آیات حمد تا ۲۸۳ سوره بقره است، در واقع، مجلداتی نازکتری را شامل بوده که طبق قرائن، با تقسیم‌بندی احزاب قرآن کریم مطابق است. یعنی هر حزب، یک مجلد تفسیر را تشکیل می‌داده است. اما در این میان، بخشی از این مجلدات در دسترس نسخه‌بردار اولیه قرار گرفته است که چون برخی از این جزوات کامل نبوده و برخی برگ شده بوده، نسخه‌برداری که آن را تجمیع و یکجا نگارش و صحافی کرده، در ترتیب





مطالب، دقت لازم را به خرج نداده و این تجمیع، شامل ترتیب کامل و درست آیات قرآن نیست. به این معنی که برخی مجلدات، پس و پیش در کنارهم قرار گرفته و تجمیع و نسخه برداری شده‌اند.

با توجه به اینکه تقسیم قرآن به سی جزء و هر جزء به چهار حزب، پس از دوران «حجاج» و به منظور تسهیل در امر تدریس و فراگیری قرآن انجام شد (صباحی صالح، ۱۳۷۲: ۹۳ - ۹۷) و به واسطه مدارس علمی و آموزشی اهمیت یافت (زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۱/۲۵۰)، به نظر می‌رسد متن تفسیر عسکری نیز بر اساس احزاب قرآن، تدوین و نسخه نویسی شده است. بر این اساس، تفسیر آیات اول قرآن تا حدود ابتدای سوره آل عمران در تفسیر عسکری، ده مجلد و تفسیر تمامی قرآن، یکصد و بیست جلد می‌شود (استادی، ۱۴۰۰ش: ۳، سراسر متن).

#### ۵. ضرورت بازسازی آثار تفسیری ناصر کبیر

بسیاری از آثار زیدیان شمال ایران از بین رفته‌اند (رحمتی، ۱۳۸۸ش: سراسر متن؛ دیلمی، ۱۳۸۸ش: مقدمه). از میان تألیفات بسیار ناصر کبیر نیز تعداد اندکی به دست ما رسیده است. به عبارت دیگر، در حال حاضر فقط دو کتاب البساط و الاحتساب، به علاوه تفسیر عسکری (که ناقص است) در دست ما است. بنابراین، لازم است آثار ناصر للحق تا حد امکان، بازسازی شود.

#### ۵. ۱. مزایای بازسازی تفسیر اطروش

بازسازی و بازیابی آثار اطروش، جدای از اینکه به تبیین بهتر دیدگاه‌ها و شناخت مرام فکری وی کمک می‌کند، از جهات مختلف دیگری نیز سودمند است. اول اینکه، وی یک شخصیت تأثیرگذار و مهم شیعی در قرون ابتدایی بوده است که قشر وسیعی از مردم و اندیشمندان بعدی، لاقلاً در منطقه طبرستان، تحت-





تأثیر وی بوده‌اند. دوم اینکه، ناصر کبیر، حاکم طبرستان و به نوعی سر سلسله علویان طبرستان بوده و لازم است نقش حکومت شیعی طبرستان در تغییر و تحولات منابع دینی و مخصوصاً، تطورات اندیشه امامتی و ولایی روشن شود. سوم اینکه، از طریق شناسایی آثار و گفته‌های او، می‌توان دیگر منابع شیعی را نیز به نوعی اعتبارسنجی کرد. به این معنی که ممکن است انتساب برخی از آثار به افراد دیگر، با توجه به آثار نویافته از ناصر للحق مخدوش شود. مثلاً، به نظر می‌رسد که توقیع دوم شیخ مفید در کتاب موسوم به احتجاج طبرسی (طبرسی ۱۳۸۶ق: ۲/۴۹۸)، در واقع، نامه‌ای از سنت مذهب زیدیان است که نام «ناصر للحق» نیز در سرآغاز آن نقش بسته است و اساساً این نامه، به شیخ مفید و امام زمان(ع) ربطی ندارد.

#### ۲.۵. راه‌های بازسازی تفسیر اطروش

درست است که آثار کم و محدودی از قرون نخستین شیعه باقی مانده و غالب آثار زیدیان شمال ایران، در جنگ‌های متعدد آنها در منطقه طبرستان از بین رفته است، اما آثار اطروش و مخصوصاً تفسیر او را می‌توان از طریق منابع متقدم شیعه و زیدیه تا حدودی، بازیابی کرد. در این میان، راه‌های متعددی برای بازسازی تفسیر و برخی از آثار دیگر اطروش، قابل طرح است که بعضی از آنها عبارتند از:

#### ۱.۲.۵. بازیابی از طریق آثار منتسب به اطروش

یکی از بهترین راه‌های بازیابی برخی از آثار اطروش، استفاده از گزارش‌های آنها در دیگر آثار موجود ناصر للحق است. اکنون دو اثر منتسب به ناصر کبیر،





یعنی البساط و الاحتساب، در دسترس‌اند. برخی آثار همانند کتاب مسائل-الناصریات نیز آئینه تمام‌نمای تألیفات ناصر اطروش‌اند. ناصرکبیر، اثری فقهی داشته که سید مرتضی (م ۴۳۶ق)، در کتابی مستقل به نام مسائل‌الناصریات، نظرات فقهی خود را در برابر نظرات ناصر کبیر مطرح کرده است (علم‌الهدی، ۱۳۹۸ش: ۸۹ به بعد)؛ بنابراین، به راحتی متن کتاب ناصر از این اثر قابل استخراج است. برای نمونه می‌توان تفسیر موجود عسکری را که بخش‌های آن درهم و مشوش است، بر اساس شماره آیات قرآن، ترتیب و تنظیم کرد و دیگر گزاره‌های تفسیری اطروش را نیز از منابع دیگر به آن افزود، تا نهایتاً تفسیری بازسازی شده و بر اساس مبانی فکری ناصر کبیر ایجاد شود.

#### ۵.۲.۲. بازیابی از طریق منابع زیدیان متقدم

منقولات و گزارش‌های پراکنده اما مهم، از آثار ناصر اطروش، در منابع مکتوب زیدیان ناصری طبرستان، مخصوصاً در قرون میانی می‌توان یافت. مثلاً، تفسیر حاکم جشمی، تنبیه‌الغافلین، کتاب‌الله دیلمی و دیگر آثار زیدیان را از قرن چهارم تا هشتم هجری قمری - بررسی و منقولات ناظر للحق و، یا استشهادات به وی را استخراج کرد.

برای نمونه در تفسیر کتاب‌الله دیلمی، از کتاب‌های البساط، تفسیر، کتاب المناهی، کتاب الوصایا، المسائل استفاده و مطالبی با انتساب صریح آن به ناصر کبیر اشاره شده است (دیلمی، ۱۳۸۸ش: ۳۸-۴۰؛ مقدمه عمادی). در تنبیه‌الغافلین عن فضائل الطالبین (حاکم جشمی، ۱۳۸۳ش: ۱۸۸) و همچنین، در حاشیه‌های هامش‌الإبانه هوسمی نیز از کتاب‌های متعدد ناصر للحق، نقل و، یا به متن آنها استشهاد شده است (هوسمی، ۱۳۸۹ش: مقدمه عمادی؛ هامش‌الإبانه: ص ۳۳ از الألفاظ، ص ۶۳ و ۱۳۹ از الکبیر، ص ۱۴۰ از المسائل، ص ۲۴۱ از کتاب الصلوه).







مجله مطالعات ایرانی اسلامی  
دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹

۲۳۲۲-۲۸۹۱

شاپا چاپی

۲۷۱۷-۲۹۶۱

شاپا الکترونیکی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

۳.۲.۵. بازیابی از طریق منابع متقدم شیعه

در منابع متقدم شیعه، تعداد کمی از استنادات و روایات اطروش، با نام «حسن بن علی» و «حسن بن علی ناصر» و، یا «حسن بن علی ناصری» یافت می‌شود. مثلاً در آثار شیخ صدوق، حدود سی روایت تفسیری از ناصر کبیر موجود است (صدوق، ۱۳۷۹ق: ۲۸۷ و ۲۸۸؛ صدوق، ۱۳۷۶ش: ۳۵۸؛ صدوق، بی‌تا: ۱/ ۲۹۸) که برخی از آنها چون به سوره‌های پس از بقره مربوط‌اند، در تفسیر عسکری کنونی وجود ندارند (استادی، ۱۴۰۰: د، سراسر متن) در برخی دیگر از آثار شیعی ولایی همانند بشاره‌المصطفی نیز از استنادات ناصر کبیر یافت می‌شود (طبری، ۱۳۸۳ق: ۷۵ و ۲۱۲).

نتیجه‌گیری

در آثار گوناگون فهرستی و رجالی زیدیه و امامیه، آثار متعدد و گاه پرشماری برای ناصر اطروش برشمرده‌اند که از حدود چهارده اثر تا بیش از یکصد و شصت اثر می‌رسد که ممکن است برخی از این عناوین، تکراری و یا دو یا چند نام باشند. البته در حال حاضر، جز دو یا سه اثر، چیزی از آنها باقی نمانده است.

ناصر اطروش، جدای از علوم مختلف اسلامی، به تعلیم و آموزش قرآن و تفسیر آن می‌پرداخت و البته، آثار تفسیری داشته است که برخی از تفاسیر و یا متون مرتبط با زیدیه متأخر از حیات ناصر کبیر، مطالبی را از آن نقل و، یا به آنها اشاره کرده‌اند.





آثار قرآنی و تفسیری ناصر للحق عبارتند از: تفسیر القرآن؛ التفسیر؛ تفسیر کبیر؛ تفسیر تسع سور من القرآن؛ بیان کفر ایمان لکشف القرآن؛ البساط. در حال حاضر و به دقت و قوت، نمی‌توان گفت که آثار قرآنی و تفسیری منسوب به ناصر للحق چه تعداد بوده‌اند، چون متن آنها و نیز توضیحات بیشتری از آنها در دسترس نیست، اما با توجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد که اطروش، حداقل دو دسته آثار تفسیری و قرآنی داشته است: تفاسیر موضوعی یا غیرمستقل همانند البساط و تفاسیر مستقل و ترتیبی.

احتمالات زیادی درباره آثار تفسیری ناصر کبیر قابل طرح‌اند، اما دو احتمال کلی، تبیین مناسب‌تری از وضعیت این آثار پیش‌روی ما قرار می‌دهد. نخست، ناصر کبیر فقط یک «تفسیر بزرگ» داشته است و در دوره‌های بعدی، این تفسیر به صورت آثار مختلفی تدوین شده است. دوم، اطروش، آثار متعدد و متنوع قرآنی تألیف کرده است؛ آثاری موضوعی از قرآن و نیز ارائه تفاسیر موردی از بخشی از قرآن و، یا تدوین تفسیر قرآن به صورت موزون و شعر. خواه این تألیفات را شاگردان و مقرران دروس ناصر للحق و تحت نظارت وی انجام داده باشند. و، یا اینکه شخصاً خود او تدوین و نگارش کرده باشد.

با توجه به اسناد و گزارش‌های باقی مانده از منابع باید گفت: تفسیر اطروش، روایی و مأثور و در موضوع فضایل و معجزات اهل‌بیت(ع) و اثبات امامت بوده است و متن آن تفسیر از قرن پنجم تا قرن هشتم هجری قمری، حداقل در میان زیدیان طبرستان باقی و از آن مهم‌تر، رایج و مورد اعتنا بوده است.

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) که مورد بی‌توجهی فهرست‌نویسان و تراجم‌نگاران امامیه قرار داشته و از حدود قرن هفتم هجری قمری به بعد، برخی به آن توجه کرده‌اند، به دلایل مختلفی همچون: «ناهمانگی زندگی امام





یازدهم (ع) با وضعیت و محتوای تفسیر»، «دلایل مرتبط با اسناد و نسخه‌های تفسیر» و «دلایل مرتبط با ترجمه اطروش»، از امام حسن عسکری (ع) نیست و جزو آثار ناصر اطروش به شمار می‌آید.

لازم است آثار اطروش، تا حد امکان از طریق آثار منتسب به وی و نیز منابع زیدیه و امامیه متقدم بازسازی شود. بازیابی آثار اطروش، جدای از اینکه به تبیین بهتر دیدگاه‌ها و مرام فکری وی کمک می‌کند، از جهات مختلف دیگری نیز سودمند است.





اسناد حسن بن علی الناصری در روایات صدوق									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری	
علل الشرائع ج ۱ ص ۲۹۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَنْشَوْرِيُّ بِإِذْنِ الْحَسَنِ بْنِ خَالِدٍ	ابوالحسن  أحمد بن الحسن الناصری م  الخسینی م (ق ۳۱۱)	الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أبيه	-	مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْناصِرِ	أبيه الرِّضَا	مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أبيه	
معانی الأخبار (۱) ص ۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَنْشَوْرِيُّ الْبَجْرَجَانِيُّ	ابوالحسن  أحمد بن الحسن الناصری م  الخسینی م (ق ۳۱۱)	الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أبيه	-	مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْناصِرِ	أبيه الرِّضَا	مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أبيه	
الأمالي صدوق ص ۳۵۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَنْشَوْرِيُّ الْبَجْرَجَانِيُّ	ابوالحسن  أحمد بن الحسن الناصری م  الخسینی م (ق ۳۱۱)	الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أبيه	-	مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْناصِرِ	أبيه الرِّضَا	مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أبيه	
معانی الأخبار (۲) ص ۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَنْشَوْرِيُّ الْبَجْرَجَانِيُّ	ابوالحسن  أحمد بن الحسن الناصری م  الخسینی م (ق ۳۱۱)	الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أبيه	-	مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْناصِرِ	أبيه الرِّضَا	مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أبيه	
معانی الأخبار ص ۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَنْشَوْرِيُّ الْبَجْرَجَانِيُّ	ابوالحسن  أحمد بن الحسن الناصری م  الخسینی م (ق ۳۱۱)	الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أبيه	-	مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْناصِرِ	أبيه الرِّضَا	مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أبيه	
الأمالي صدوق ج ۱ ص ۴۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مَوْسَى الدَّقَاقِ رَوَى (تفسیر)	علی بن الحسن القبایمی	فَقَسَّ اللَّهُ رُوحَهُ الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أحمد بن رشید	عنه أبي جعفر سعيد بن خنيم (زیدق)	أخيه جعفر	-	-	
عيون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مَوْسَى الدَّقَاقِ رَوَى (تفسیر)	علی بن الحسن القبایمی	فَقَسَّ اللَّهُ رُوحَهُ الْخَسِرِيُّ، نَدَى عَلَى الْناصِرِ (ق ۳۰۴م)	أحمد بن رشید	عنه أبي جعفر سعيد بن خنيم (زیدق)	أخيه جعفر	-	-	





### منابع و مطالعات

ابن اسفندیار، محمد (۱۳۶۶ ش)، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران: پدیده.

ابن الأثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن داوود حلّی، حسن بن علی (بی تا)، کتاب الرجال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، قم: شریف رضی.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه، نجف: المطبعه الحیدریه.

ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انصاریان.

ابن ندیم (۱۴۱۷ق)، فهرست ابن ندیم، بیروت: دارالمعرفه.

ابن ندیم (بی تا)، فهرست ابن ندیم، به کوشش ر. تجدد، تهران: بی نا.

استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، ت، «بررسی سندی و رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) تا شیخ صدوق»، قرآن و روشنگری دینی، دوره ۱، شماره ۳.

استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، ث، «معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»، مجله هفت آسمان، شماره ۸۲.

استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، د، «گزارش شکلی اسناد تفسیر امام حسن عسکری (ع)»، حدیث پژوهش، شماره ۲۷.





اسنادی، کاظم (۱۴۰۰ش) ذ، «بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری»، آینه میراث، شماره ۶۹.

اسنادی، کاظم (۱۴۰۰ش) ر، «تجزیه و تحلیل محتوای داستان‌های راویان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)»، مطالعات ایرانی - اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲.

اطروش، حسن بن علی (۱۴۱۸ق)، البساط، یمن (صعده): مکتبه التراث الاسلامی. اطروش، حسن بن علی (۱۴۲۳ق)، الاحتساب، تحقیق جذبان، یمن (صعده): مکتبه- التراث الاسلامی.

امین عاملی، سید محسن (۱۴۲۱ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف. بلاغی، محمدجواد (بی تا)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الوجدانی. پاکتچی، احمد (۱۳۹۳ش)، «تفسیر، سده‌های میانه»، دانشنامه بزرگ اسلامی جلد ۱۵، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۸ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

حاکم جشمی (منسوب به) محسن بن محمد (۱۳۸۳ش)، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، تهران: شمس الضحی.

حسینی اشکوری، احمد (۱۴۱۳ق)، مؤلفات الزیدییه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم: مؤسسه نشر الفقاهه.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث، بی جا: نشر توحید. نیز: نشر مؤسسه آیت الله خویی.





داماد، محمد باقر (۱۳۹۷)، شارع النجاه، تهران: جمال الدین میرداماد.

دیلمی، ابوالفضل بن شهردویر (۱۳۸۸ش)، تفسیر کتاب الله، مقدمه: محمد عمادی  
حائری، تهران: کتابخانه مجلس.

رحمتی، محمدکاظم (زمستان ۱۳۸۸ش)، «میراث فرهنگی زیدیان ایران و انتقال  
آن به یمن»، تاریخ ایران، شماره ۶۳/۵.

رحمتی، محمدکاظم (۱۳۹۲ش)، زیدیه در ایران، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.  
زرکشی، محمد بن عبد الله (۱۳۷۶ق)، البرهان فی علوم القرآن، المحقق محمد  
أبوالفضل إبراهيم، بیروت: دار إحياء الكتب العربیة.

سید کباری، علیرضا (۱۳۸۷ش)، حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، تهران:  
امیر کبیر.

شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۸۶ش)، پژوهش های قرآنی علامه شعرانی (حاشیه  
مجمع البیان)، قم: بوستان کتاب.

شوشتری، محمدتقی (۱۴۰۱ق)، الاخبار الدخیله، تهران: مکتبه الصدوق.

صالحی، محمدعلی (۱۴۰۰ش)، «نگاهی نو به منابع کهن در جستجوی آثار و  
احوال ناصر کبیر»، هفت آسمان، سال ۲۳، شماره ۸۱. (این مقاله را ندیده‌ام؛ و  
فقط از طریق نویسنده از آن اطلاع یافتم).

صبحی صالح ابراهیم (۱۳۷۲ق)، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی.

صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی صدوق، تهران: کتابچی.

صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۹ق)، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین.

صدوق، محمدبن علی (بی تا)، علل الشرایع، قم: مکتبه الداوری.





صدوق، محمدبن علی (بی‌تا)، عیون اخبار الرضا، تصحیح لاجوردی، تهران: جهان.

صدیق، عیسی (۱۳۵۵ش)، تاریخ فرهنگ ایران، تهران: شرکت سهامی کتاب. طبرسی منسوب به أحمدبن علی (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، تعلیق السید محمد باقر الخراسان، نجف: النعمان.

طبرسی، منسوب به أحمدبن علی (۷۳۶ق)، نسخه خطی احتجاج، کتابخانه حوزة علمیه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق.

طبری، عمادالدین (۱۳۸۳ق)، بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، نجف: الحیدریه. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال طوسی، قم، جامعه مدرسین. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۹۸ش)، المسائل الناصریات، تحقیق بروجردی، قم: دارالحديث.

علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق)، مسائل الناصریات، تحقیق مرکز البحوث، تهران: رابطه الثقافه والعلاقات الإسلامیه.

علیزاده، رجبعلی (۱۳۹۶ش)، «میراث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناصر اطروش در دیلمان، گیلان و طبرستان»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی سال ۵۰، شماره ۲. قوچانی خامنه، مریم (پاییز ۱۳۹۵ش)، «معرفی تفسیر کتاب الله و تبیین گرایشات زیدی و ولایی مفسر»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۵. مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷م)، اخبار ائمه الزیدیه، بیروت: المعهد الالماني للابحاث الشرقيه.

محلّی، حمیدبن احمد (۱۴۲۳ق)، الحدائق الوردیّه فی مناقب ائمه الزیدیه، یمن (صنعا): مکتبه بدر.







مرعشی، ظهیر الدین (۱۳۶۳ش)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام دارن، تهران: گستره.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۸۵ق)، مروج الذهب، تحقیق عبد الحمید، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.

موسوی تنیانی، سید اکبر (۱۳۹۴ش)، «بررسی انتقادی دیدگاهها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، مجله تاریخ اسلام، سال ۱۶، شماره ۲.

موسوی، جمال (۲۰۱۹م)، «دراسة تحليلية في مؤلفات الناصر الأطروش»، پژوهشنامه تاریخ تشیع، سال ۱، شماره ۲.

ناشناس (۱۳۴۰ق)، التحفة البهية في أحوال الزيدية، نجف: نسخ خطی کتابخانه کاشف الغطاء، شماره ۹۴۸۰.

ناشناس (حدود قرن هشتم)، رساله في تراجم علماء الزيدية و تأليفاتهم (نسخه خطی ناقص درباره زیدیان گیلان)، نجف: نسخ خطی کتابخانه کاشف الغطاء، شماره ۱۵۷۳.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال نجاشی، به کوشش زنجانی، قم: نشر اسلامی.

هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین (۱۴۱۶ق)، الافاده فی تاریخ ائمه الساده، تحقیق یحیی عزان، اردن: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه

هوسمی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ش)، الابانه (الصلوه، الدعاوی، السیر)، مقدمه محمد عمادی حائری، تهران: کتابخانه مجلس.



